

این ۳

گروه شکست خورده

O مهدی طهوری

چرا این قدر به طول انجامید؟ به ویژه که شنیده‌ایم گویا مدتی دفتر دستکی هم داشته و بعد تعطیل شده؟

تشکیل نشدن قانونی انجمن تا این زمان، دلایل مختلفی داشته است که در هر مرحله‌ای متفاوت بوده. در مرحله اول، هیأت مؤسس آن شامل سه نفر بود: آقایان حجویانی، بهمن پور و خانم گل محمدی. وزارت ارشاد، اعلام کرد که مدارک دونفرشان هنوز کامل نیست و تشکیل انجمن، به همین علت معطل ماند. تمام کسانی که در حوزه تصویرگری کتاب کودکان، این اعضا را می‌شناختند. با وجود این، مؤسسان اولیه جای خودشان را به مؤسسان جدیدی دادند. در واقع، دو نفر دیگر به آن‌ها اضافه شدند. از این دو نفر، یک نفر مجرد بود و موفق نشد عضو شود. در آخرین مرحله، نام آقایان بنی‌اسدی و حجویانی و خانم خسروی، به عنوان مؤسسان این انجمن ثبت شد و فعلاً در حال طی کردن مراحل اداری است و بنا به قول و قرارهای مسئولان ارشاد، چیزی به تأسیس قانونی آن نمانده است.

O نمایشگاه امسال می‌توانست جزو معتبرترین نمایشگاه‌های بین‌المللی دنیا باشد، چرا این نمایشگاه به صورت داخلی برگزار شد؟ نمایشگاه امسال، به صورت داخلی برگزار شد؛ به دو دلیل اصلی. دلیل اول، اقتصادی است. امکان مالی برگزاری وسیع نمایشگاه وجود نداشت. دوم این که ما با همان نگاه نقادانه که در بروشور نمایشگاه آمده، پیش آمدیم. تولید کتاب در ایران، با مشکلاتی بسیار جدی رو به روست. مادامی که ما نتوانیم هیچ بازاری برای خودمان جذب کنیم، زود است که کارهای مان را در کنار کارهای کسانی قرار دهیم که موقعیت بسیار بهتری برای خودشان نسبت به ما دست و پا کرده‌اند. شاید به تعبیری این نمایشگاه، مقدمه جدی‌ای باشد برای فراهم کردن بسترهای لازم تا در آینده بتواند در سطح بین‌المللی، توانمندی‌های تصویرگری ایران را به نمایش بگذارد.

O بپردازیم به انجمن تصویرگران کتاب کودک. چرا دفعه قبل، انجمن تشکیل نشد و رها شد؟ چرا ارشاد با تشکیل انجمن موافقت نمی‌کرد و

محمودرضا بهمن پور، متولد ۱۳۴۲ است. او مدیریت انتشارات چاپ و نشر نظر را برعهده دارد و از سال ۱۳۶۱ تا ۱۳۷۲، مدیریت کتاب کودک وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی را برعهده داشته است. در همان زمان، او سه دوره مدیر برگزاری نمایشگاه تصویرگران بوده و در سال‌های اخیر نیز مدیریت برگزاری نمایشگاه بین‌المللی کتاب کودک، بر دوش وی است.

همان‌طور که مطلعید، از یکم تا چهاردهم آبان ماه گذشته، پنجمین نمایشگاه آثار تصویرگران کتاب کودک برپا بود. با محمودرضا بهمن پور، گفت و گویی انجام داده‌ایم درباره نمایشگاه، انجمن تصویرگران و در دل تصویرگران.

گفت و گو با محمود رضا بهمن پور





○ پس ارشاد، با تشکیل انجمن تصویرگران، اصولاً مخالف نیست؟

به هیچ وجه. دوستان ارشادی حتی از مشوق‌های تشکیل انجمن بوده‌اند؛ از جمله خود آقای مسجدجامعی که همیشه از شکل صنفی و فرهنگی، در این زمینه دفاع می‌کند.

○ امیدوار باشیم کمی این اتفاق بیفتد؟

فرض ما بر این است که تا قبل از برگزاری نمایشگاه تصویرگران، مراحل قانونی انجمن انجام شده باشد و مجمع عمومی، تشکیل جلسه بدهد تا هیأت‌مدیره انتخاب شود.

○ این انجمن، چه نفعی برای تصویرگران خواهد داشت؟ به ویژه آیا در قسمت‌هایی که معمولاً همه هنرمندان لنگ می‌زنند، مثل بیمه، بازنشستگی، وام و امکانات مالی، چه کارهایی می‌تواند انجام دهد؟

تعریف انجمن و هدف‌های آن، پرداختن به همین موارد است؛ یعنی انجمن، فارغ از عملکردهای سلیقه‌ای، فرهنگی و سیاسی عمل خواهد کرد و عمدتاً بالا بردن سطح معیشت تصویرگران، منظور نظر است و ایجاد بسترهای لازم در زمینه‌هایی مانند بیمه، از طرف دیگر، هدف این است که تصویرگران وارد گفت و گوهای هنری مربوط به خودشان شوند و تصویرگری کودک، جدی‌تر انگاشته شود تا بتواند در یک تعامل اجتماعی، به کیفیت مطلوبی در تولید تصویر برسد و این به معنی حل مشکل معیشت، و وضع بهتر اقتصادی تصویرگران است.

○ آیا اساسنامه انجمن نوشته شده است؟

بله.

○ در نوشتن اساسنامه، چگونه از وجود

تصویرگران کتاب کودک بهره گرفتید؟

اساسنامه یک قالب کلی و عمومی دارد که براساس پیش‌بینی‌های مراکز قانونی، نوشته می‌شود. تنها تفاوت این اساسنامه با سایر اساسنامه‌ها، اهداف آن است. در اهداف سعی شده اهداف ویژه و تخصصی حوزه تصویرگران لحاظ شود؛ مثل بحث کمک به حضور تصویرگران جوان در صحنه تصویرگری، ایجاد شرایطی که سطح تصویرگری کتاب کودک ارتقا پیدا کند و حضور تصویرگری و تصویرگران ما در سطوح بین‌المللی، سایر بندهای اساسنامه، همان مواردی است که در اساسنامه تشکلی‌های دیگر هم وجود دارد. البته، ما در نوشتن این اساسنامه، از انجمن نویسندگان کتاب کودک هم کمک گرفتیم.

○ اجازه بدهید قدری وارد جزئیات بشویم. کارهای تصویر شده، دست ناشر باشد یا تصویرگر؟ انجمن در این باره، چه تصمیمی دارد؟ حق پدیدآورنده، چگونه می‌تواند پیش‌بینی شود؟

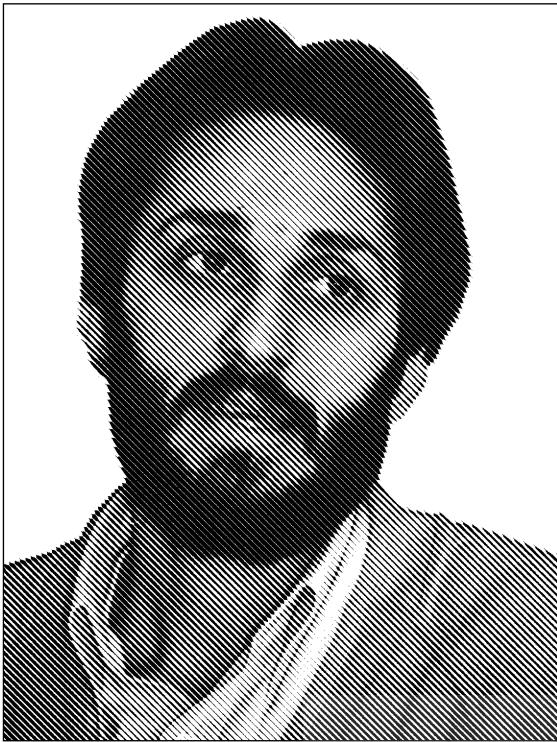
بحث‌های مربوط به حقوق پدیدآورنده، چه نویسنده و چه تصویرگر، از بحث‌هایی است که از نظر حقوقی در ایران روی آن دقیق کار نشده است. ما در دوره قبلی تصویرگران، بحثی در این زمینه راه انداختیم که اولین بحث بود. در حال حاضر، آن چیزی که مرجع حساب می‌شود، توافق بین تصویرگر و ناشر است. از هر دیدگاهی که به این بحث وارد شویم، حقوق ویژه‌ای می‌توانیم برای دو طرف قائل شویم. به طور مطلق نمی‌توان گفت حق با کیست، اما یک چیز مسلم است. هنگامی که کتاب می‌خواهد تولید شود، نیاز ناشر به تصویرگر، نیازی قطعی است. بعد از تولید، بهترین امانت‌دار و

نگهدارنده تصاویر کتاب، خود تصویرگر است. تا زمانی که مرکزی مثل موزه تصویرگران کتاب کودک نداریم و یا آرشيو قابل قبولی موجود نیست، تصویرگران بهترین افراد برای نگهداری آثار خودشان هستند. به طور تقریبی، تخمین زده می‌شود که در حال حاضر، حدود یک میلیارد تومان، تصویرگری ارزشمند کتاب، در دست ناشران ما پراکنده است؛ تصویرهایی که در طی این ۲۰ سال تولید شده، به غیر از تصویرهای تولید شده در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان. این یک سرمایه ملی است. شاید بسیاری از این تصویرها از بین رفته و یا به دست فراموشی سپرده شده باشد. خود ناشران هم احتمالاً بدشان نمی‌آید که این‌ها در اختیار جایی قرار بگیرد که به خوبی از آن‌ها نگهداری و استفاده کند.

○ ارزیابی شما از تولیدات تصویری کتاب‌های کودکان، در سال‌های اخیر چیست؟

در حال حاضر، این بحثی است میان تصویرگران و برگزارکنندگان نمایشگاه. تحلیلی که دبیرخانه برگزاری نمایشگاه دارد، این است که وضعیت کتاب کودک، به صورت عام، وضعیت بسیار اسفبار و ناراحت‌کننده‌ای است. در واقع، آن چیزی که در حال حاضر تولید می‌شود، همان نیست که یک فرهنگ غنی بتواند به آن اتکا کند. این مسیر، مسیر رو به انحطاطی است و روز به روز وضعیت تولید کتاب‌های کودکان دارد مخاطره‌آمیزتر می‌شود. البته، این بدان معنا نیست که ما نویسنده یا تصویرگر قابل نداریم.

شاید ایران جزو معدود کشورهایی باشد که در حوزه تصویرگری کتاب کودک، حرف اول را می‌تواند



ما مراکز خرید کتاب‌مان در دست باندها و گروه‌های شناخته شده و یا ناشناخته‌ای است که نفس کشیدن را برای تولید خوب، با مشکل مواجه کرده‌اند. مثلاً انتشارات مدرسه، ت این زمان، هیچ‌گونه اعلامی درباره ضوابطش، نحوه خرید کتابش، میزان خرید کتابش و گروه‌ها و شوراهایی که برنامه‌ریزی می‌کنند برای خرید کتابش، منتشر نکرده است

بزند، اما نه با نگاه گلخانه‌ای. ما تصویرگران خوبی داریم که آثارشان، هیچ‌گاه به مرحله تولید نرسیده است و یا تک و توک آثارشان تولید شده و بعد از این حوزه، به حوزه‌های دیگر رفته‌اند. می‌توان نام ده‌ها تصویرگر را برد که با عشق و اشتیاق، وارد این حوزه شدند، ولی در این حوزه نماندند. از نظر تحلیلی، علت اصلی این وضعیت، سیاست‌هایی است که در نظام کلان فرهنگی ما طراحی و اجرا می‌شود، مثل حضور متنوع دولت در تمام ارکان تصمیم‌گیری، بسترسازی و اجرا یکی از علت‌های اصلی این امر است.

ما مراکز خرید کتاب‌مان در دست باندها و گروه‌های شناخته شده و یا ناشناخته‌ای است که نفس کشیدن را برای تولید خوب، با مشکل مواجه کرده‌اند. مثلاً انتشارات مدرسه، تا این زمان، هیچ‌گونه اعلامی درباره ضوابطش، نحوه خرید کتابش، میزان خرید کتابش و شوراهایی که برنامه‌ریزی می‌کنند برای خرید کتابش، منتشر نکرده است. فقط گاه‌گداری شنیده می‌شود که از چندین ناشر، کتاب خریده است. در این فضا، جایی مثل کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، با وجود تمام قابلیت‌ها، نتوانسته به عنوان نمونه‌ساز و الگودهنده و تقویت‌کننده این حوزه، فعالیت کند. به همین سبب اگر کمی ریشه‌ای به مسائل فرهنگی نگاه کنیم، می‌بینیم که بخش عمده‌ای از این مشکلات، ریشه‌اش در مراکز دولتی است. در سال گذشته، چیزی در حدود ۳۷۰۰ عنوان کتاب کودک منتشر شده بی‌تردید، شما نمی‌توانید از این ۳۷۰۰ عنوان ۳۰۰ عنوان، یعنی کمتر از ۱۰ درصد را انتخاب کنید که واجد شرایط مطلوب کتاب کودک باشند. این وضعیت، وضعیتی است که روز به روز دارد بدتر می‌شود و کتاب‌هایی که پشتوانه‌های فکری در حوزه‌های نوشتار،

تحقیق و تصویر ندارند، فضای خودشان را کاملاً باز کرده‌اند و دارند توسعه پیدا می‌کنند.

○ تصویرگران می‌گویند ناشران سودجو هیچ‌وقت سعی نکرده‌اند به بچه‌ها یاد بدهند تصویر واقعی چیست؟ ناشران طرف کارهای خوب نمی‌روند و به دنبال کارهای ارزانند. آیا انجمن تصویرگران، می‌تواند درصدد گذاشتن سدی در برابر کارهای غیرهنری و بی‌ارزش باشد؟

انجمن تصویرگران، بعدها با عملکردش، می‌تواند خود را بشناساند. درباره تعبیر شما از ناشران به ناشران سودجو و سد در برابر کارهای بی‌ارزش ایجاد کردن، به نظر من این تعبیرها، تعبیرهایی اندکی غلط و همراه با پیش‌داوری است. نظارت کتاب‌های کودکان در ارشاد، در ده ساله اول انقلاب، از سال ۶۱ تا ۷۱ با همین سدی که شما می‌گویید، انجام گرفت. به صورت عمومی، آثار تولید شده در آن دوره‌ها، آثار مطلوبی بود. اما یک واقعیت در آن سیاست‌گذاری‌ها ملحوظ نبود و آن، این که اگر حرکتی با زور و بگبر و ببند باشد، تا زمانی که این زور وجود دارد، حفظ می‌شود و مادامی که به شرایط واقعی برگرده، همان راه موردعلاقه‌اش را می‌رود. به همین علت، از سال ۷۲ به بعد، سیر تولید کتاب کودک، از ارزش‌های مطلوب در ارزیابی‌ها دارد دور می‌شود. بنابراین، سد ایجاد کردن، هیچ کمک واقعی‌ای به تولید مطلوب نخواهد کرد.

بنگاه‌های نشر نیز با وجود تعریف‌هایی که برای کارهای فرهنگی قائلند، مانند تعالی و ارزش، در واقع به چشم یک پروژه اقتصادی به این قضیه نگاه می‌کنند. اگر قائل به این باشیم که کتاب هم یک کالا است و کارکردهای ویژه خودش را دارد و از نظر اقتصادی باید

به صرفه باشد، آن موقع مفهوم سودجویی، مفهوم قابل تعریفی است. ناشر دارد عمر و سرمایه خود را در این زمینه می‌گذارد و تولیدی می‌کند که به فروش برود. اگر ما شرایط اجتماعی را به گونه‌ای تعریف نکرده باشیم که تولید ناشر به فروش برود، طبیعتاً ناشر شکست خواهد خورد. این که چرا کتاب‌هایی تولید می‌شود که با سلیقه ما همخوان نیست، واقعیتی تلخ است. بخش عمده‌ای از ۳۷۰۰ جلد کتاب تولید شده در سال گذشته، کتاب‌هایی است که در پشت آن‌ها اندیشه و خلاقیت هنری نهفته نیست، اما دلیل تولید آن‌ها، واقعی است. دلیل تولید این کتاب‌ها آن است که این نوع کتاب‌ها بازار و شرایط مطلوب خودش را پیدا کرده است.

من گریزی می‌زنم به نهم به سال ۵۶ که در آن سال مجموع کتاب‌های منتشر شده در حیطه ادبیات کودک و نوجوان، ۲۸۸ عنوان بود؛ ۶۰ درصد ترجمه‌ای و ۴۰ درصد تألیفی. از ۴۰ درصد کتاب‌های تألیفی آن زمان که چیزی حدود هفتاد هشتاد عنوان می‌شد، می‌توانستیم دست کم چهل پنجاه عنوان این کتاب‌ها را واجد شرایط مطلوب بدانیم. در این کتاب‌ها ادبیات غنی وجود داشت؛ تصویرگری مطلوب وجود داشت و کتاب‌هایی مطلوب بود. البته، بخشی از این کتاب‌ها در دست کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان بود، بخشی در دست انتشارات امیرکبیر آن زمان و تعداد معدودی هم در دست انتشارات فرانکلین.

به هر حال، استقبال و میل اجتماعی به خرید کتاب خوب، تا حدودی در آن زمان وجود داشت، اما در حال حاضر، هیچ بستر مطلوبی در اجتماع‌مان نمی‌بینیم که از گرایش به تولید خوب، حمایت کند؛ به

گونه‌ای که به لحاظ اقتصادی جوابگو باشد. از این رو، وقتی ناشر در برهوت رها می‌شود، منطق اقتصاد، منطقی است که حرف اول را خواهد زد.

○ تصور می‌کنید اصلی‌ترین اقدام‌هایی که در ارتقای سطح کیفی کتاب کودک مؤثر است، کدام باشد؟

چیزی که مورد توافق همه است، این است که ما باید مراکز تصمیم‌گیرنده در حوزه‌های فرهنگ را به صورت واقعی، در اختیار صاحبان اصلی این حوزه‌ها قرار دهیم که همان صنوف و به تعبیر عام‌تر، مردم هستند. این معنایش آن است که کارکردهای آن مراکز، می‌تواند به طور طبیعی شکل خودش را

آن مستثنا نخواهد بود و می‌تواند به طرف تولید کیفی و مبتنی، به خواست عمومی جامعه برود. البته، یکی از وظایف اصلی دولت، تشویق و ترغیب الگوهای فرهنگی مطلوب است. در زمان حکومت پهلوی، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، همین هدف را دنبال می‌کرد؛ با این نگرانی که ممکن است سطح جامعه، سطح کیفی نازلی باشد، فرهیختگان، نخبگان، هنرمندان و افراد برجسته را به کانون دعوت کردند و دست به تولیدات الگو و نمونه‌ای زدند که اتفاقاً همان‌ها بنیان فرهنگی ما در زمینه کودک شد؛ هم در زمینه انیمیشن، هم در زمینه کتاب کودک و هم در زمینه سینما. ما

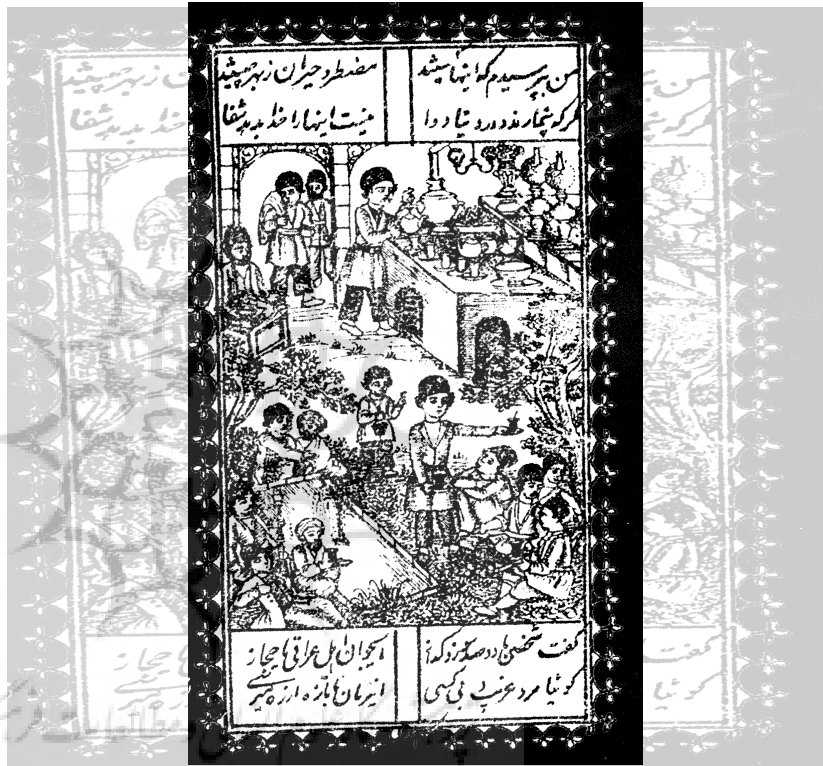
این‌گونه کتاب‌ها وجود دارد. اخیراً انتشارات شباویز، با سرمایه محدود خودش، به تولید بهینه کتاب کودک روی آورده است. نشرانی مثل قدیانی، افق پیدایش و پیش از این نشرانی که حالا دیگر وجود ندارند، این‌ها کارهایی تولید کردند که جزو افتخارهای فرهنگی این ملت به حساب می‌آید و ارزش‌هایش، ارزش‌هایی است که به مراتب فراتر از تصویرهای ما از بخش خصوصی، در مرحله تولید است.

○ در بروشور پنجمین نمایشگاه آثار تصویرگران، نوشته شده که برگزاری این دوره، با نگاهی نقادانه به ارزیابی زیربنایی اصلی‌ترین مسائل، مشکلات و واقعیات تصویرسازی در ایران خواهد پرداخت. با در نظر داشتن این جمله، اجازه بدهید سؤال‌های بعدی‌ام را بپرسیم. به گفته تصویرگران، وضع موجود، وضعی باب طبع ناشران است. در این باره، شما چه فکر می‌کنید؟

تحلیل دبیرخانه نمایشگاه این بود که همین چیزی که تولید می‌شود، واقعیت کتاب کودک امروز ماست. تأکید می‌کنم روی کتاب کودک، نه واقعیت هنری. کتاب، همان لحظه که چاپ می‌شود، خودش را معرفی می‌کند، اما قبل از آن، تصویرگر اگر در بهترین گالری‌ها هم آثارش را عرضه کند، به معنی تولید کتاب مطلوب نیست. ما این بار اعلام کردیم که تمام تصویرگرانی که به عنوان تصویرگر حرفه‌ای یا نیمه حرفه‌ای شناخته شده‌اند، می‌توانند به انتخاب خودشان، کار ارائه کنند. این کارها، ممکن است سطح کیفی ایده‌آلی نداشته یا داشته باشد، اما در یک نگاه اجمالی، بعد از برگزاری نمایشگاه، مشخص می‌شود که واقعیت تصویرسازی ما در حال حاضر و در این شرایط اجتماعی کدام است. درباره این که شرایط، شرایط مطلوب ناشران است، این‌ها بدبینی‌هایی است که سه گروه تصویرگر، نویسنده و ناشر در تمام این سال‌ها نسبت به هم داشته‌اند. هر کدام خود را ضلع جدایی می‌دانند و فکر نمی‌کنند باید در اتصال با هم فعالیت کنند.

در حالی که این سه ضلع، در تمام دنیا با یکدیگر تعامل دارند ولی متأسفانه، در ایران به دلیل تلقی‌های غلط در حوزه اقتصاد برای هر سه گروه، واقع‌بینانه به مسائل و مشکلات هم نگاه نکرده‌اند. ناشر با سرمایه‌گذاری‌اش، هیچ وقت دستمزد واقعی خود را دریافت نمی‌کند؛ تصویرگر با وجود زحمتی که می‌کشد، به خواسته‌اش نمی‌رسد و به طریق اولی، نویسنده هم همین طور. هر سه هم فکر می‌کنند آن یکی دارد سرشان کلاه می‌گذارد. در حالی که هر سه گروه، شکست خورده‌اند و دلایل شکست‌شان در جایی دیگر است.

○ درباره این موضوع چه نظری دارید: در طول یک سال کسانی مطرح می‌شوند و تولید اتبوه می‌کنند که مبتدی‌اند، در حالی که بعضی از استادان، معطل‌اند که کاری به آن‌ها سپرده شود.



پیدا کند و مسیری رو به رشد داشته باشد. دولت، در تمام شوون حضور مطلق و همه جانبه‌ای دارد و به صورت یک عارضه، چنان روی همه چیز دست گذاشته که کسی دیگر قدرت نفس کشیدن نداشته باشد. گروه‌هایی هم که ادعا می‌کنند اندکی حقوق خود را به مردم واگذار کرده‌اند، خیلی واقعی نیست. تمام مواردی که نظام فرهنگی ما ادعا می‌کند به مردم واگذار شده، همان نظام دولتی سابق است که تغییر شکل داده. اگر دولت، قائل به این باشد که باید در یک نظام کلان برنامه‌ریزی، آن هم نه یکی دو ساله، به اصلاح واقعی بپردازد (داعیه‌ای که دولتمردان ما بعد از دوم خرداد داشتند، ولی شکست خوردند و نتوانستند آن را به نتیجه برسانند)، این امر به مرور و طی یک فرآیند میسر است. هرگاه تمام ارکان به این سمت پیش رفت، کتاب کودک هم از

نمی‌توانیم از این واقعیت چشم‌پوشی بکنیم که آن چیزی که ما بعد از انقلاب در حوزه سینما، انیمیشن، تصویرگری کتاب کودک و کتاب کودک داشتیم، بخشی از پایه‌ها و الگوهایش در کانون گذاشته شده است. اما این مرکز، به عنوان جایی که می‌تواند بخشی از هدایت‌سکان مطلوب را در این کشور به دست گیرد، تبدیل شده است به رقیب ناشران بخش خصوصی. کانون در هر حوزه، بیشتر نگاهی رقابتی دارد و بسیاری اوقات، بسیار نازل‌تر از بخش خصوصی عمل می‌کند. بد نیست همین‌جا اشاره کنم که در همین شرایط اقتصادی نامطلوب، ده‌ها کتاب بخش خصوصی تولید کرده و سرمایه‌گذاری‌های جدی و سنگینی روی آن‌ها صورت داده که بسیار عالی است. تعداد این آثار اندک است، اما نشان می‌دهد که عشق و شوق تولید

○ به طور کلی، به نظر شما، در موفقیت یک هنرمند تصویرگر، روابط تا چه اندازه تعیین کننده است؟

بگویید روابط در کجا تعیین کننده نیست. هرچایی که در این مملکت روابط بوده، افراد توانسته‌اند ره صدساله را یک شبه طی کنند.

در حال حاضر شاید نه، ولی در این سال‌ها اگر کسی در مناسبات کانونی قرار می‌گرفت و ارتباطاتی داشت، ممکن بود بتواند خیلی کارها بکند؛ هم در حوزه نویسندگی، هم در حوزه تصویرگری. طبیعتاً این موضوع فقط به بخش تصویرگری مربوط نمی‌شود و برمی‌گردد به واقعیت‌های اجتماعی. مادامی که واقعیت‌های اجتماعی را قانون، مقررات و

که متأسفانه در این هفت هشت ساله در کانون وجود داشته، باعث شده تولیدات محفل‌ها و گروه‌های جانبی در کانون صورت بگیرد. متأسفانه نوع نگاه پدرا، نسبت به تولید کتاب کودک، در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان ما کم نبوده است.

○ چرا عده‌ای به راحتی می‌توانند کارهای جشنواره‌ای و بولونیایی انجام دهند، اما عده‌ای دیگر نمی‌توانند و ناشران به آن گروه اول می‌گویند: ما از این نوع کارها نمی‌خواهیم؛ چون بچه‌ها نمی‌فهمند؟

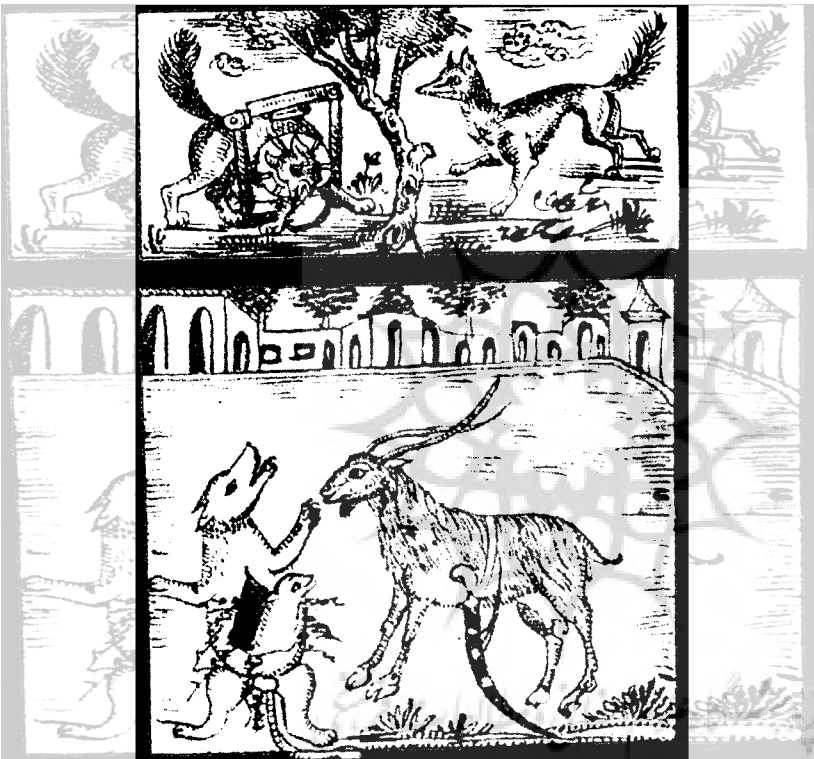
البته خود این سؤال، سؤال اشتباهی است؛ چرا که کارهای بولونیایی، چندان عبارت مفهومی نیست. اگر کاتالوگ‌های بولونیا را نگاه کنید،

شاید این هم برمی‌گردد به تلقی غلطی که بعضی از تصویرگران حرفه‌ای، از کار کتاب کودک دارند. این بحثی ریشه‌ای است و مجال بسیاری می‌طلبد، اما به طور اختصار، یک تصویرگر یا باید نگاه فردی‌اش ارجح باشد که در این حالت، به شیوه نگارخانه‌ای، گالری‌داری و گلخانه‌ای کار خواهد کرد. تولید می‌کند؛ شاید روزی روزگاری به نشر برسد. او باید توقع انتشار را طبیعتاً از خودش سلب کند؛ مگر شرایط ایده‌آلش فراهم شود که این شرایط - باتوجه به شناخت ما - هیچ گاه به وجود نخواهد آمد. در حالت دوم، تصویرگر حداقلی بین خواسته‌های خود و شرایط اجتماعی به وجود می‌آورد. در این سال‌ها خیلی از تصویرگران ما توانسته‌اند این کار را بکنند؛ یعنی تولیداتی را برنامه‌ریزی کرده‌اند که هم جامعه خواسته است و هم در عین حال، امتیازهای منفی نمی‌گیرد.

برای آن که تصویرگر، از آن پوسته آرمان‌گرایانه بیرون بیاید، باید نیاز اجتماع را بشناسد و خواسته‌های خودش و خواسته‌های عمومی را با هم ترکیب کند و تولیدش تولیدی باشد که هم خودش بپسندد و هم در واقع بخشی از خواسته‌ها و نیازها را برآورد. آن چیزی که باید ملحوظ شود، آن است که آن قدر به طرف ابتزال نرویم که کارمان تبدیل شود به کارهای منحط و از آن طرف، آن قدر هنرمندانه کار نکنیم که اجتماع پس بزند. در واقع، تصویرگری که به حوزه کتاب کودک وارد می‌شود، باید این واقعیت را بپذیرد. در غیر این صورت، باید برود به حوزه نقاشی و سلیقه شخصی خودش.

○ تصویرگرها در مراکز مختلفی تشویق می‌شوند و جایزه می‌گیرند؛ مثلاً کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان. با آن که ممکن است پرسیدن این سؤال از شما، قدری بی‌ربط باشد؛ اما فکر می‌کنید چرا کانون در طول ۱۰ سال، به استادانی که خودش به آن‌ها جایزه داده، خیلی کم کار سفارش داده است؟

این را باید از خود کانونی‌ها بپرسید. با وجود این، از نگاهی بیرونی، قاعدتاً کانون باید الگوسازی کند. حقیقت این است که در مدیریت‌های هفت هشت سال اخیر، نگاه کانونی‌ها به تولید انبوه است. البته، آن هم شاید به دلیل شرایط اقتصادی‌ای که برای‌شان تعریف کرده‌اند، باشد. این نگاه اقتصادی، دیگر اقتضا نمی‌کند که بروند سراغ تصویرگرهای حرفه‌ای که ممکن است کاری را حتی ظرف یک سال انجام دهند و پس از آن نیز کار باید با کیفیتی مطلوب عرضه شود. می‌روند سراغ جوان‌ترهایی که به قابلیت‌هایی رسیده‌اند، اما تولیدات‌شان دیگر تولیدات نمونه نیست. البته در این فضا، سوءمدیریت‌های فراوانی در کانون بوده است که به موارد بسیاری از آن می‌توان اشاره کرد. سلیقه‌های شخصی بسیار غالب شده. گروه‌گرایی‌ای



شرایط شفاف و روشن تعیین نمی‌کند، حتماً پس از این هم روابط حرف اول و آخر را خواهد زد.

○ و حرف آخر؟

حرف آخر این است که من در این کار، به عنوان کسی که در کنار و حاشیه حضور دارد، ارزیابی و نظرهای شخصی خودم را دارم و به عنوان مشاور نمایشگاه و با تکیه بر تجربه‌ای که در دوره‌های قبل در کنار آقای نظری، خانم گل محمدی و سایر دوستان کسب کردم، خدمت می‌کنم. روزی به سرکار خانم توران میرهادی گفتم، خسته شده‌ام و می‌خواهم رها کنم. ایشان گفتند، تو وظیفه‌ات این است که تا جایی که می‌توانی بروی و حق خستگی نداری. موهایی سفید ایشان باعث شد که من شرمند و خجل شوم. این مصاحبه را هم بیشتر در راستای همین خجلت و شرمندگی انجام دادم.

مجموعه‌ای از تولیدات بسیار خوب خواهید دید که هم در ایران و هم در خارج از ایران، با استقبال بچه‌ها روبه‌رو می‌شود. علاوه بر این، بولونیا قسمت تصویرگری‌اش، قسمت آزاد است و اگر کسی فکر می‌کند که باید حتماً ناشر به او سفارش کار بدهد تا در بولونیا شرکت کند، فکر غلطی است. هم بولونیا، هم براتیسلاوا، هم کنکور نوما و نمایشگاه کاتولنیا، این‌ها همه نمایشگاه‌هایی هستند که به دلیل حمایت از هنرمندان شکل گرفته‌اند و به ناشران کاری ندارند. البته، مقررات این نمایشگاه‌ها یک‌سان به دست همه نمی‌رسد و همه مطلع نمی‌شوند. آن‌هایی که شرکت می‌کنند، قبلاً راه و چاهش را یاد گرفته‌اند. البته، در بعضی از نمایشگاه‌ها به چاپ کتاب برای شرکت در نمایشگاه احتیاج است؛ ولی در بولونیا نه.